

## تسکین و موسیقی شعر

### (مقایسه تسکین یا سکنه عروضی در غزلهای انوری و خاقانی)

دکتر محمد امیر مهدی

عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

#### چکیده

وزن شعر فارسی بر پایه نظم بخشها یا هجاهاست. هرگاه شاعر به جای دو هجای کوتاه، یک هجای بلند بیاورد، از اختیار تسکین یا سکنه بهره گرفته است. سکنه نیز در آغاز مصراع، در همه جای مصراع، بکار می رود. سکنه، بویژه در وسط مصراع در تغییر آهنگ شعر، بسیار مؤثر است. در این پژوهش به اثبات رسیده که میزان سکنه عروضی وسط مصراع در غزلهای خاقانی نسبت به غزلهای انوری، پنج برابر است، زیرا:

۱. زبان غزلهای انوری، ساده تر است و بیشتر از وزنهای کوتاه بهره گرفته است؛ در حالی که زبان غزلهای خاقانی، سنگینتر است و بیشتر از وزنهای متوسط، بلند و متناوب الارکان سود جسته است؛

۲. انوری در زندگی، روحیه ای شادتر از خاقانی داشته است؛

۳. تخلص (لقب شاعری) خاقانی و لزوم ذکر آن در پایان غزل نیز یکی از عوامل کثرت سکنه در غزلهای اوست.

کلید واژه: هجای کوتاه و بلند، تسکین (سکنه) عروضی، غزل، انوری، خاقانی.

این مقاله به بررسی تسکینهای (سکته‌های) به کار رفته در وسط مصراع - که موجب سنگینی وزن می‌شود - در غزل‌های خاقانی و انوری می‌پردازد؛ بنابراین سکته‌های آخر مصراها مورد نظر نیست؛ زیرا اولاً گوش شنونده یا خواننده، سنگینی آنها را احساس نمی‌کند؛ ثانیاً سکته‌های آخر مصراع در تغییر موسیقی شعر چندان نقش مهمی ندارد، که شعر را از روانی به سنگینی، و از شادی و طرب به غمگینی بکشاند.

برای حصول به این هدف، دقیقاً تک تک ابیات غزل‌های این دو شاعر، بررسی شده است. نکته دیگر علت برگزیدن خاقانی و انوری، از میان شاعران هم زمانی آنهاست، زیرا هر دو در نیمه دوم قرن ششم، ولی از لحاظ جغرافیایی در دو محیط جداگانه و دور از هم زندگی می‌کرده‌اند. البته در صدد نیستم که یکی از این دو شاعر بزرگ و گرانقدر نیمه دوم قرن ششم را بر دیگری ترجیح دهم؛ زیرا هم خاقانی و هم انوری، هر کدام به نوعی در رشد و تکامل غزل فارسی نقش بسزایی داشته‌اند.

انوری در آسان ساختن غزل و نزدیک کردن آن به نحوه گفتار عامه مردم، نقش مهمی داشته و سرمشق سعدی در قرن بعد بوده است و خاقانی با به کارگیری وزنهای متناوب‌الارکان و متوسط، به رشد موسیقی و وزن غزل فارسی و از جهت دیگر با به کارگیری مضامین عارفانه در غزل به رشد و نیکو شدن معنایی غزل فارسی یاری رسانده است. لازم است در آغاز، توضیحاتی در مورد اختیار شاعری تسکین (سکته)، جایگاه آن در مصراع و نقش آن در موسیقی شعر ذکر شود:

#### اختیار شاعری تسکین (سکته، ابدال یا تبدیل)

عروضیان معاصر در این مورد اتفاق نظر دارند که:

«آوردن یک هجای بلند، به جای دو هجای کوتاه»، تسکین یا سکته عروضی نام دارد، و آن را یکی از اختیارات شاعری می‌شمارند. عروضیان قدیم به این موضوع کمتر توجه و دقت کرده‌اند. نخستین کسی که این اختیار را یادآور شده، خواجه نصیرالدین توسی است و در بخش مثنیات بحر رمل آورده:



عروض مخبون یا مشعّث و ضرب مشعّث، مثالش:

به دو رخ ماه تمامی، به دوزلفک چو عبیری  
به دولب شگر و قندی، به دو چشمک بادامی  
و این وزن را استحقاق آن نیست که وزنی مفرد کنند؛ چه مسکن وزن اوّل است.

(خواجه نصیر، ۱۳۶۹: ص ۹۴)

وی در جاهای دیگر معیارالاشعار نیز به این اختیار یادآور شده است. در سایر کتب عروض قدیم چنین نکته‌ای یافت نمی‌شود. بنابراین همه عروضیان معاصر در این زمینه آگاهانه، یا ناآگاهانه، وامدار خواجه نصیرالدین طوسی هستند.

جهت اختصار فقط به ذکر نظر دکتر خانلری اکتفا می‌شود، وی اختیار تسکین یا سکنه را یکی از قواعد تبدیل شمرده، می‌نویسد: «تبدیل عبارت است از قراردادن هجای کوتاه به جای هجای بلند یا به عکس، به طریقی که کمیت وزن اصلی تغییر نپذیرد. با توجه به اینکه هر هجای کوتاه، مساری نصف هجای بلند است، می‌توان یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه و یا دو کوتاه به جای یک بلند قرار داد.

تبدیل در همه اوزان جایز و بسیار شایع است. تبدیل دو هجای کوتاه متوالی به یک بلند در اثنای هر وزنی چون دو هجای کوتاه در پی یکدیگر واقع شوند جایز است به جای آن دو، یک هجای بلند قرار داد.» (خانلری، ۱۳۶۷: ص ۲۶۸)

دیگر عروضیان معاصر (فرزاد، شمیسا، نجفی، وحیدیان و...) این اختیار را تقریباً با همین تعریف آورده‌اند. و متذکر شده‌اند که عکس این اختیار هیچ وقت اتفاق نمی‌افتد؛ یعنی شاعر نمی‌تواند به جای یک هجای بلند، دو هجای کوتاه بیاورد.

### اختلافات عروض فارسی و عربی

شعر و عروض فارسی ناهماهنگیهای وزنی را مثل شعر و عروض عربی دارا نیست. به بیان دیگر، شاعر آزاد نیست که زحافات یک رکن را به جای همدیگر به کار گیرد. آنچه در شعر شاعران فارسی زبان از آغاز تاکنون مجاز دانسته شده، اختیارات محدودی است از جمله: سکنه، قلب و... در کتاب شناخت شعر، نظر استاد همایی چنین آمده است:

«به نظر این حقیر . . . در فارسی مابین اجزای بیت اعم از ضروب و اعاریض و صدر و حشو، اختلاف و تغییر روا نیست برخلاف اشعار عربی.» (شاه حسینی، ۱۳۶۸: ص ۱۳۸)

یکی دیگر از معاصران نیز چنین نظر دارند:

«از جمله موارد اختلاف میان عروض فارسی و عربی، ناهماهنگیهای وزنی است میان ارکان مختلف یک بیت، آن چنان ناهماهنگیهایی که زبان فارسی آنها را بر نمی‌تابد، ولی زبان عرب به دلیل خشونت و سایر خصوصیات زبانی دیگر آنها را پذیرفته است . . .» (فشارکی، ۱۳۵۶: ص ۴۰۶)

### جایگاه تسکین (سکته) عروضی در مصراع

همه عروضیان معاصر معتقدند که این اختیار در همه جای مصراع اتفاق می‌افتد جز در آغاز مصراع، طبیعتاً جا را برای آن در آخر مصراع می‌دانند که گوش آن را احساس نمی‌کند و در موسیقی شعر، تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

در صورتی که اختیار سکته در محل اتصال ارکان (افاعیل عروضی) باشد در شعر سکته سنگین ایجاد می‌کند.

### تسکین عروضی و موسیقی شعر

همانطور که ذکر شد اگر سکته عروضی در آخر مصراع باشد گوش شنونده آن را احساس نمی‌کند و در موسیقی شعر، تفاوت ایجاد نمی‌کند، ولی اگر در وسط مصراع اتفاق بیفتد - که اتفاقاً مورد بحث ما نیز همین سکته‌هاست - موسیقی شعر را متفاوت می‌کند و آن را از روانی به سنگینی، و از وزن شاد و طرب‌انگیز به وزن غمناک مبدل می‌سازد؛ چنانکه دکتر وحیدیان می‌نویسد:

«این اختیار در وزن تغییر پدید نمی‌آورد اما کیفیت موسیقی آن را تغییر نمی‌دهد. شاعر با بکارگیری از این اختیار می‌تواند در شعر خود، تغییر محتوایی به وجود بیاورد، آهنگ را سنگین و مناسب اندوده نماید و مضمون شاد را غمناک نماید و از نظر عاطفی به شعر خود اعتلا بخشد.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۲: ص ۶۹)

### بیشترین کاربرد تسکین

دکتر خانلسری و دیگر عروضیان معاصر متفقند که از اواخر قرن هفتم به بعد (پس از سعدی)، تسکین عروضی شعر، در وسط مصراع کمتر به کار می‌رود.

### علل وجود تسکین (سکته) بیشتر در غزل‌های خاقانی نسبت به غزل‌های انوری

دلایل عدیده‌ای را می‌توان برشمرد که چرا تسکین عروضی در غزل‌های خاقانی نسبت به غزل‌های انوری بیشتر به کار رفته است. از جمله:

۱. تعداد غزل‌های خاقانی ۳۳۹ غزل است که جمع ابیات آنها ۲۷۴۲ بیت خواهد بود. تعداد غزل‌های انوری ۳۲۲ غزل است که جمع ابیات آنها ۲۱۷۱ بیت می‌شود، لذا تعداد ابیات در غزل‌های خاقانی ۵۷۱ بیت از تعداد ابیات غزل‌های انوری بیشتر است، که از لحاظ درصدی، ۲۶/۳۰ درصد خواهد شد. البته این تعداد ابیات بیشتر، در غزل‌های خاقانی نسبت به غزل‌های انوری، به تنهایی پنج برابر بودن تسکینهای غزل او را، بطور کامل توجیه نمی‌کند؛ زیرا جمع تسکینهای عروضی در غزل‌های خاقانی ۲۷۳ مورد و جمع تسکینها در غزل‌های انوری ۵۵ مورد است. (جدول شماره ۱۰)

۲. روشن است که هرچه تسکینهای وسط مصراع بیشتر باشد از هجاهای کوتاه، کاسته می‌شود و به هجاهای بلند افزوده می‌گردد؛ بنابراین شعر آرامتر و غمگینتر می‌شود. از آنجا که نوع زندگی فردی و اجتماعی خاقانی و انوری، مانند هر شاعر دیگر، در موسیقی شعر آنها مؤثر بوده است، پس زندگی عارفانه همراه با زهد و پرهیزگاری و سختیهای جامعه و زندان در شکل‌گیری روح غمگین خاقانی، نقش بسزایی داشته است.

از طرف دیگر، انوری بیشتر به مدح توجه داشته و با دربار و درباریان زمان خویش معاشر بوده، و همچنین عشق زمینی وی در ایجاد روحیه شاد او بی‌تأثیر نبوده است؛ لذا می‌بینیم که تسکین در شعر انوری نسبت به خاقانی کمتر است. نگارنده با سنجش قصاید انوری و خاقانی نیز به این تفاوت آشکار رسیده است.

۳. تعداد و نوع وزنهای به کار رفته در غزل‌های دو شاعر در این مورد بسیار مؤثر است:

الف) تعداد وزنهایی که در آنها تسکین به کار رفته در غزل‌های خاقانی، (۱۴) وزن و در

غزل‌های انوری (۱۰) وزن است. (جدول شماره ۱۰)



ب) هرچه شاعر از وزنهای کوتاه بیشتر بهره بگیرد امکان وقوع تسکین در شعر او کمتر خواهد بود. وزنهای کوتاه، در غزلهای خاقانی، (۶) وزن و در غزلهای انوری (۹) وزن است. (جدول شماره ۲)

ج) تعداد وزنهای متوسط خفیف و ثقیل به کار در غزلهای خاقانی (۱۰) وزن است که در (۷) وزن، احتمال وقوع تسکین وجود دارد. در حالیکه در غزلهای انوری (۷) وزن است که در (۵) وزن، احتمال وقوع تسکین هست. (جدول شماره ۳)

د) تعداد وزنهای بلند خفیف و ثقیل به کاررفته در غزلهای خاقانی (۶) وزن است که در (۳) وزن، احتمال وقوع تسکین می‌باشد. حال آنکه تعداد این وزنها در غزلهای انوری (۳) وزن است که فقط در یک وزن امکان وقوع تسکین وجود دارد. (جدول شماره ۴)

ه) وزنهای متناوب الارکان، در غزلهای خاقانی (۸) وزن است که در (۶) وزن ممکن است سکتة بیاید؛ در صورتی که تعداد این وزنها در غزلهای انوری (۴) وزن است که در (۳) وزن این احتمال وجود دارد. (جدول شماره ۵)

۴. دلیل دیگر، واژه «خاقانی» است که تخلص یا لقب شعری شاعر نامیده می‌شود. این واژه در ایجاد زمینه برای وقوع سکتة در شعر او مؤثر بوده است. بویژه آنکه شاعر در ۹۱/۴۴ درصد غزلهای خود تخلص دارد. در حالت عادی واژه خاقانی دارای سه هجای بلند است (بر وزن مفعولن). حال آنکه تخلص انوری بر وزن فاعلن است و ۳۶ درصد غزلهای او نیز دارای تخلص است.

از جمله سکتة‌های غزلهای خاقانی ۴۷ مورد در جای تخلص شاعر است که ۱۷/۲۱ درصد سکتة‌ها را شامل می‌شود. خاقانی، با توجه به محدودیت وزن و لقب شعری خویش، از دو مورد تخلص کردن حقایقی که بگذریم، ناچار شده در غزلی، افضل و در غزلی دیگر خاقانی تخلص نماید.

جدول شماره (۱)

تسکین عروضی در غزلهای خاقانی و انوری

شماره	نام وزن	خاقانی			انوری		
		رتبه از نظر میزان سکه	پسامد	درصد	رتبه از نظر میزان سکه	پسامد	درصد
۱	مفعولُ مفاعِلن فَعولن (مفاعیل) هزج مسدّس اِخرب مقبوض یا مقصور	۱	۵۲	۱۹/۰۴	۱	۱۸	۳۲/۷۲
۲	مفعولُ فاعلاتن مفاعیلُ فاعلاتن مضارع مَثمن اِخرب مکفوف صحیح عروض و ضرب	۲	۴۸	۱۷/۵۸	۶	۱	۱/۸۱
۳	مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن هزج مَثمن اِخرب	۳	۴۶	۱۶/۸۴	—	—	—
۴	مفعولُ فاعلاتن مفاعیلُ فاعلن (فاعلان) مضارع مَثمن اِخرب مکفوف محذوف یا مقصور	۴	۳۳	۱۲/۰۸	۶	۱	۱/۸۱
۵	مفعولُ مفاعِلن مفاعِلین هزج مسدّس اِخرب مقبوض صحیح عروض و ضرب	۵	۲۲	۸/۰۵	۲	۱۵	۲۷/۲۷
۶	مفتعلن فاعِلن (فاعلان) مفتعلن فاعِلن (فاعلان)	۶	۱۷	۶/۲۲	—	—	—



						منسرح مثنیٰ مطوی مکشوف یا موقوف	
۷/۲۷	۴	۴	۶/۲۲	۱۷	۶	مفعولٌ مفاعیلٌ مفاعیلٌ فعلون (مفاعیلٌ) هزج مثنیٰ مطوی مکشوف محذوف یا مقصور	۷
۱۸/۱۸	۱۰	۳	۴/۷۶	۱۳	۷	مفاعِلن فَعْلَاتِن مفاعِلن فَعْلُن (فَعْلَانٌ...) مجث مثنیٰ مخبون محذوف یا مقصور...	۸
۳/۶۳	۲	۵	۳/۶۶	۱۰	۸	فَعْلَاتِن فَعْلَاتِن فَعْلَاتِن فَعْلُن (فَعْلَانٌ...) رمل مثنیٰ مخبون محذوف یا مقصور...	۹
۳/۶۳	۲	۵	۱/۸۳	۵	۹	مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (فاع) منسرح مثنیٰ مطوی منحور یا مجدوع	۱۰
۱/۸۱	۱	۶	۱/۴۶	۴	۱۰	فَعْلَاتِن فَعْلَاتِن فَعْلُن (فَعْلَانٌ...) رمل مسلّس مخبون محذوف یا مقصور...	۱۱
-	-	-	۱/۰۹	۳	۱۱	مفاعِلن فَعْلَاتِن //مفاعِلن فَعْلَاتِن مجث مثنیٰ مخبون	۱۲
-	-	-	۷/۷۳	۲	۱۲	مفتعلن مفتعلن مفتعلن	۱۳



						مفتعلن رجز مثنی مطوی	
-	-	-	٪۳۶	۱	۱۳	مفتعلن مفاعلن // مفتعلن مفاعلن رجز مثنی مطوی مخبون	۱۴
۱/۸۱	۱	۶	-	-	-	مفتعلن مفتعلن فاعلن (فاعلن) سریع مسلس مطوی مکشوف یا موقوف	۱۵
۹۹/۹۴	۵۵		۹۹/۹۲	۲۷۳			جمع

جدول شماره (۲)

اوزان کوتاه در غزلهای خاقانی و انوری

شماره	نام وزن	خاقانی			انوری		
		رتبه در کل غزلها	بسامد	درصد	رتبه در کل غزلها	بسامد	درصد
۱	مفعول مفاعلن فعولن (مفاعیل) هزج مسلس اخرب مقبوض محذوف یا مقصور	۲	۳۲	۹/۴۳	۴	۲۷	۸/۳۷
۲	فعلاتن مفاعلن فعِلن (فاعلن...) خفیف مسلس مخبون محذوف یا مقصور...	۳	۲۵	۷/۳۷	۱	۶۰	۱۸/۶۳
۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلن)	۴	۲۳	۶/۷۸	۲	۵۱	۱۵/۸۳

						رمل مسدس محذوف یا مقصور	
۱۱/۸۰	۳۸	۳	۶/۴۸	۲۲	۵	مفاعیلن مفاعیلن فعولن (مفاعیلن) هزج مسدس محذوف یا مقصور	۴
۱/۲۴	۴	۱۳	۳/۸۳	۱۳	۹	فعلاتن فعلاتن فَعْلَن (فَعْلَانُ و ...) رمل مسدس مخبون محذوف یا مقصور ...	۵
۸/۰۷	۲۶	۵	۳/۵۳	۱۳	۱۰	مفعول مفاعیلن هزج مسدس اخرب مقبوض صحیح عروض و ضرب	۶
۵/۶۲	۲	۱۴	-	-	-	فعولن فعولن فعولن فَعْل (فعولن) مستقارب مثمن محذوف یا مقصور	۷
۵/۳۱	۱	۱۵	-	-	-	فعلاتن فعلاتن فَعْل	۸
۲/۴۸	۸	۱۰	-	-	-	مفتعلن مفتعلن فاعلن (فاعلان) سریع مسدس مطوی مکشوف یا موقوف	۹
۶۷/۳۹	۲۱۷		۳۷/۴۶	۱۲۷		جمع	

جدول شماره (۳)

وزنهای متوسط خفیف و ثقیل در غزلهای خاقانی و انوری

شماره	نام وزن	خاقانی			انوری		
		رتبه در کل غزلها	بسامد	درصد	رتبه در کل غزلها	بسامد	درصد
۱	مفاعِلنْ فَعْلَاتِنْ مفاعِلنْ فَعْلِنْ (فَعْلَانْ و ...) مَجِثْ مَثْمَنْ مَخْبُونْ مَحذُوفْ یا مَقْصُورْ و ...	۱۰	۱۲	۳/۵۳	۱۲	۵	۱/۵۵
۲	فَعْلَاتِنْ فَعْلَاتِنْ فَعْلَاتِنْ فَعْلِنْ (فَعْلَانْ و ...) رَمَلْ مَثْمَنْ مَخْبُونْ مَحذُوفْ یا مَقْصُورْ و ...	۱۵	۳	۱/۸۸	۹	۹	۲/۷۹
۳	مَفْعُولْ فَاعِلَاتْ مَفَاعِلْ فَاعِلنْ (فَاعِلَانْ) مَضَارِعْ مَثْمَنْ اَخْرَبْ مَكْكَوْفْ مَحذُوفْ یا مَقْصُورْ	۱	۴۳	۱۲/۶۸	۶	۲۳	۷/۱۴
۴	فَاعِلَاتِنْ فَاعِلَاتِنْ فَاعِلَاتِنْ فَاعِلنْ (فَاعِلَانْ) رَمَلْ مَثْمَنْ مَحذُوفْ یا مَقْصُورْ	۴	۲۳	۶/۷۸	۱۱	۷	۲/۱۷
۵	مَفْعُولْ مَفَاعِلْ مَفَاعِلْ فَعُولنْ (مَفَاعِلْ) هَزَجْ مَثْمَنْ اَخْرَبْ مَكْكَوْفْ مَحذُوفْ یا مَقْصُورْ	۶	۱۸	۵/۳۰	۸	۱۲	۳/۷۲

۲/۱۷	۷	۱۱	۲/۹۴	۱۰	۱۲	مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (فاع) منسرح مثنی مطوی منحور یا مجدوع	۶
۲/۱۷	۷	۱۱	۱/۴۷	۵	۱۳	فعلون فعولن فعولن فعلون مقارب مثنی سالم	۷
-	-	-	۲/۲۹	۱	۱۷	فَعِلَاتُ فاعلاتن فَعِلَاتُ فاعِلن (فاعِلن) رمل مِثْمَنٍ مشكول محذوف یا مقصور	۸
-	-	-	۲/۲۹	۱	۱۷	مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعولن (مفاعیلُ) هزج مِثْمَنٍ مكفوف محذوف یا مقصور	۹
-	-	-	۲/۲۹	۱	۱۷	مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعِلن (فاعِلن) مضارع مِثْمَنٍ مكفوف محذوف یا مقصور	۱۰
۲۱/۷۳	۷۰		۳۴/۵۱	۱۱۷		جمع	

حدول شماره (۴)

## وزنهای بلند ثقیل و خفیف در غزل‌های خاقانی و انوری

شماره	نام وزن	خاقانی			انوری		
		رتبه در کل غزلها	بسامد	درصد	رتبه در کل غزلها	بسامد	درصد
۱	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	۱۱	۱۱	۳/۲۴	۱۴	۲	۱/۶۲

						رجز مثنیٰ سالم	
۲/۴۸	۸	۱۰	۲/۹۴	۱۰	۱۲	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن هزج مثنیٰ سالم	۲
۱/۵۵	۵	۱۲	۱/۴۷	۵	۱۳	مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتن مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف صحیح و عروض و ضرب	۳
-	-	-	۱/۱۸	۴	۱۴	مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلن هزج مثنیٰ اخرب مکفوف صحیح عروض و ضرب	۴
-	-	-	۲/۲۹	۱	۱۷	مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن رجز مثنیٰ مطوی	۵
-	-	-	۲/۲۹	۱	۱۷	مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن رجز مثنیٰ مخبون	۶
۴/۶۵	۱۵		۹/۴۳	۳۲		جمع	

جدول شماره (۵)

وزنهای متناوب الارکان در غزلهای خاقانی و انوری

شماره	نام وزن	خاقانی			انوری		
		رتبه در کل غزلها	بسامد	درصد	رتبه در کل غزلها	بسامد	درصد
۱	مفتعلن فاعلن (فاعلن)	۷	۱۷	۵/۰۱	۱۵	۱	۳۱

						// مفتعلن فاعلن (فاعلن) منسرح مثنی مطوی مکشوف یا موقوف	
۴/۰۳	۱۳	۷	۴/۷۲	۱۶	۸	مفعول فاعلاتن // مفعول فاعلاتن مضارع مثنی اعراب	۲
۱/۵۵	۵	۱۲	۳/۵۴	۱۲	۱۰	مفعول مفاعیلن // مفعول مفاعیلن هزج مثنی اعراب	۳
-	-	-	۲/۹۴	۱۰	۱۲	// مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن رجز مثنی مطوی مخبون	۴
-	-	-	۱/۱۸	۴	۱۴	// فَعَلَاتُ فاعلاتن فَعَلَاتُ فاعلاتن رمل مثنی مشکول	۵
%۳۱	۱	۱۵	%۱۵۹	۲	۱۶	// مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن مجتث مثنی مخبون	۶
-	-	-	%۲۹	۱	۱۷	// مستفعلن فَعَلْن مستفعلن فَعَلْن بسیط مثنی مخبون	۷
-	-	-	%۲۹	۱	۱۷	// فعلاتن مفاعلن فعلاتن مفاعلن غریب (جدید) مثنی مخبون	۸
۶/۲۱	۲۰		۱۸/۵۸	۶۳			جمع

جدول شماره (۶)

پنج وزن پر کاربرد در غزلهای انوری

شماره	نام وزن	رتبه در کل غزلها	بسامد	درصد
۱	فعلاتن مفاعِلن فَعِلن (فَعِلان و...) خفیف مسدس مخبون محذوف یا مقصور و ...	۱	۶۰	۱۸/۶۳
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان) رمل مسدس محذوف یا مقصور	۲	۵۱	۱۵/۸۳
۳	مفاعیلن مفاعیلن فعولن (مفاعیلن) هزج مسدس محذوف یا مقصور	۳	۳۸	۱۱/۸۰
۴	مفعولُ مفاعِلن فعولن (مفاعیلن) هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف یا مقصور	۴	۲۷	۸/۳۸
۵	مفعولُ مفاعِلن مفاعیلن هزج مسدس اخرب مقبوض صحیح عروض و ضرب	۵	۲۶	۸/۰۷
جمع			۲۰۲	۶۲/۷۱

جدول شماره (۷)

پنج وزن پر کاربرد در غزلهای خاقانی

شماره	نام وزن	رتبه در کل غزلها	بسامد	درصد
۱	مفعولُ فاعلاتن مفاعیلُ فاعلن (فاعلان) مضارع مثنی اخرب مکفوف محذوف یا مقصور	۱	۴۳	۱۲/۶۸

۹/۴۳	۳۲	۲	مفعولُ مفاعِلن فعولن (مفاعیل) هزج مدس اخرب مقبوض محذوف یا مقصور	۲
۷/۳۷	۲۵	۳	فاعلاتن مفاعِلن فَعْلَن (فَعْلَانُ و...) خفیف مدس مخبون محذوف یا مقصور و...	۳
۶/۷۸	۲۳	۴	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (فاعلان) رمل مثنی محذوف یا مقصور	۴
۶/۷۸	۲۳	۴	فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن (فاعلان) رمل مدس محذوف یا مقصور	۵
۴۳/۰۴	۱۴۶		جمع	

برای پرهیز از اطالة کلام، فقط به شش مثال از تسکینهای واقع شده در وسط مصراع در غزل‌های این دو شاعر بسنده می‌کنیم:

### ۱. وزن: مفعولُ مفاعِلن فعولن یا مفاعیلُ

انسوری: ترسان ترسان به طنز گفتم آن مایه حسن و دلبری را  
(غزل ۷، بیت ۸)

مفعولُ فاعِلن فعولن مفعولُ مفاعِلن فعولن

حقانی: نقش الحجر است بر دلت جور کس یا رب بردل این نویسد  
(صفحه ۵۶۳ ب ۱۴)

مفعولُ مفاعِلن مفاعیلُ مفعولن فاعِلن فعولن

قدما مفعولن را اخرم و فاعلن را اشتر می‌نامیدند که در دو بیت قبل، نتیجه وقوع تسکین در دو رکن مفعولُ مفاعِلن است.



۲. وزن : مفعولُ مفاعِلن مفاعِلین

( بحر هزج مسدس اخرب مقبوض صحیح عروض و ضرب )

انوری: شادم به تو و یقین همی دانم      کاین یک شادی هزار غم دارد  
(غ ۶۸ ب ۳)

مفعولُ مفاعِلن مفاعِلین      مفعولن فاعِلن مفاعِلین

خاقانی: مرد آن باشد که پیش تیغ تو      چون آینه جمله رخ سپر گردد  
(ص ۵۸۱ ب ۱۷)

مفعولن فاعِلن مفاعِلین      مفعولُ مفاعِلن مفاعِلین

در این دو بیت نیز مفعولن (اخرم) و فاعِلن (اشتر)، نتیجه وقوع تسکین است.

۳. وزن : مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فِعول یا مفاعیلُ

( بحر هزج مثمن اخرب مکفوف محذوف یا مقصور )

انوری: گر باز دگر باره ببینم مگر او را      دارم ز سر شادی بر فرق سر او را  
(غ ۶ ب ۱)

مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فِعولن      مفعولُ مفاعیلن مفعولُ فِعولن

خاقانی :

آنان که چو من بی پروا پرورانه عشقند      جز در حرم جانان پرواز نخواهند  
(ص ۵۸۳ ب ۱۱)

مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلن      مفعولُ مفاعیلین مفعولُ مفاعیلن

۴. وزن: فِعلاتن فِعلاتن فِعلاتن فِعَلن

( بحر رمل مثمن مخبون محذوف )

انور: سر آن داری کامروز مرا شاد کنی      دل مسکین مرا از غمت آزاد کنی  
(غ ۳۰۹ ب ۱)

خاقانی: گر مرا پرسی و چیزی به تو آواز دهد      آن نه خاقانی باشد، که بود پیرهنم  
(ص ۶۴۳ ب ۱۹)



فاعلاتن فعلاتن فعَلتن  
 فاعلاتن مفعولن فعلاتن فعَلتن  
 قدما در چنین مواردی [مفعولن] را [تثعیت] می‌نامند، ولی در عروض علمی جدید آن را نتیجه وقوع تسکین در فعلاتن می‌شمارند.

۵. وزن: مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلنُ یا فاعلانُ

بحر مضارع مثمن اخرب مکفوف محذوف یا مقصور  
 انوری: مست از درم درآمد دوش آن مه تمام در برگرفته چنگ و به کف نهاده جام

(غ ۱۸۱ ب ۱)

مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلانُ مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلانُ

خاقانی: با هیچ دوست دست به پیمان نمی‌دهی کارشکستگان را سامان نمی‌دهی

(ص ۶۸۷ ب ۱)

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلنُ مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلنُ

۶. وزن: مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعَلن یا فعَلانُ یا فع لن یا فع لان

بحر مجتث مثمن مخبون محذوف یا مقصور یا اصلم یا اصلم مسبق

انوری: چرا اگر به همه عمر ناله‌ای شنوی به طعنه گویی کار فلان تواند بود

(غ ۱۳۷ ب ۵)

مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعَلن مفاعلن مفعولن مفاعلن فع لان

خاقانی:

به ره چو پیش تو آیم، ترا سلام کنم به سرد پاسخ گویی علیک و برگردی

(ص ۶۷۰ ب ۱)

مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعَلن مفاعلن مفعولن مفاعلن فع لن

اینجا نیز، مفعولن (تثعیت) نتیجه وقوع تسکین است.

## منابع

۱. افشار، ایرج؛ فهرست مقالات فارسی؛ در زمینه تحقیقات ایرانی (شش جلد)، تهران: علمی و فرهنگی، سالهای متفاوت.
۲. انوری، علی بن محمد؛ دیوان؛ به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
۳. تجلیل، جلیل؛ عروض؛ چاپ اول، تهران: همراه، ۱۳۶۸.
۴. جامی، نورالدین عبدالرحمان بن احمد، بهارست و رسائل جامی (بخش رساله عروض) مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح زاد و... چاپ اول، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۹.
۵. حسنی، حمید؛ موسیقی شعر نیما؛ چاپ اول، کتاب زمان، تهران: ۱۳۷۱.
۶. خاقانی، افضل الدین بدیل؛ دیوان؛ به کوشش ضیاءالدین سجادی، چاپ چهارم، تهران: زوار، ۱۳۷۳.
۷. رازی، شمس قیس رازی؛ المعجم فی معاییر اشعار المعجم؛ تصحیح مدرس رضوی، چاپ سوم، تهران: زوار، ۱۳۶۰.
۸. سپنتا، ساسان و محمد فشارکی، در پیرامون اختیارات شاعری؛ وحید، ۱۳، تهران: ۱۳۵۳.
۹. سیفی بخارایی، عروض سیفی و...؛ تصحیح ایچ بلاخمان به اهتمام محمد فشارکی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۱۰. شاه حسینی، ناصرالدین؛ شناخت شعر؛ چاپ دوم، تهران: هما، ۱۳۶۸.
۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ موسیقی شعر؛ چاپ سوم، تهران: آگاه، ۱۳۷۰.
۱۲. شمیسا، سیروس؛ آشنایی با عروض و قافیه؛ چاپ اول، تهران: فردوس، ۱۳۶۶.
۱۳. \_\_\_\_\_؛ سیر رباعی در شعر فارسی؛ تهران: آشتیانی، ۱۳۷۳.
۱۴. \_\_\_\_\_؛ سیر غزل در شعر فارسی، چاپ سوم، تهران: فردوس، ۱۳۷۰.
۱۵. \_\_\_\_\_؛ فرهنگ عروضی، چاپ دوم، تهران: فردوس و مجید، ۱۳۷۵.
۱۶. \_\_\_\_\_؛ کلیات سبک‌شناسی؛ چاپ دوم، تهران: فردوس و مجید، ۱۳۷۰.

۱۷. فشارکی، محمد؛ اختلافات عروضی فارسی و عربی؛ جشن نامه مدرس رضوی، تهران: ۱۳۵۶.
۱۸. قرشی، جمال؛ عراضة العروضیین؛ به کوشش محسن ذاکر الحسینی، ضمیمه شماره ۱۳ نامه فرهنگستان، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: تیر ۱۳۸۲.
۱۹. ماهیار، عباس؛ عروض فارسی؛ چاپ اول، تهران: قطره، ۱۳۷۳.
۲۰. مشهدی، محمدمامیر؛ مقایسه تسکین (سکته) عروضی درغزلهای خاقانی وسعدی؛ مجله علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱، ۲۳، دیماه، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵ تا ۱۶۰.
۲۱. میر صادقی، میمنت؛ واژه‌نامه هنر شاعری؛ چاپ دوم، تهران: مهناز، ۱۳۷۶.
۲۲. ناتل خانلری، پرویز؛ وزن شعر فارسی؛ چاپ دوم، تهران: توس، ۱۳۶۷.
۲۳. نجفقلی میرزا ( آقا سردار)، ذره نجفی، تصحیح و تعلیق و حواشی حسین آهی، چاپ اول، تهران: فروغی، ۱۳۶۲.
۲۴. نجفی، ابوالحسین؛ اختیارات شاعری؛ جنگ اصفهان، دفتر دهم، تابستان ۱۳۵۲.
۲۵. طوسی، نصیرالدین؛ معیارالاشعار؛ به تصحیح و اهتمام جلیل تجلیل، چاپ اول، تهران: انتشارات جامی و ناهید، ۱۳۶۰، ۱۸۹-۱۴۷.
۲۶. وحیدیان کامیار، تقی؛ بررسی منشأ وزن شعر فارسی؛ چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۲۷. \_\_\_\_\_؛ حرفهای تازه در ادب فارسی، چاپ اول، جهاد دانشگاهی اهواز، ۱۳۷۰.
۲۸. \_\_\_\_\_؛ وزن و قافیه شعر فارسی، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.

